

فصلنامه علمی

وابسته به بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

- واکاوی قصاص به عنوان سیاست جنایی سرکوبگرانه اسلام / سید محمد حسینی دره صوفی
- واکاوی سیاست اجرایی اسلام در جرم سرقت / سید علی شاه احمدی
- ظرفیت فقه در تولید قدرت نرم / غلام رضا حسینی
- عدم بطلان اجاره در صورت فوت یکی از متواجریین / سید رضی قادری
- مقایسه تجسم اعمال در اندیشه مولوی و ملاصدرا / محمدرسول احمدی
- وظایف مرد در برابر همسر از نگاه قرآن و روایات / سید مهدی نقوی
- ارتباط با امام زمان (عج) در عصر غیبت / سید اسدالله حسینی

عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر

مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی

ویراستار: سید محمد نقوی

گرافیسٹ: سید محمود محسنی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰،۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶

سایت فصلنامه: nasimekosar.blog.ir

ایمیل: nasimkosar1399@gmail.com

دفتر مرکزی و محل چاپ: قم، شهر قائم، ۱۲ متری شهید رجایی، پلاک ۵۲

راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و مآخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. معادل انگلیسی اصطلاحات و مفاهیم علمی رایج، پانویست شود.
۸. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۹. فهرست منابع و مآخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد (الف) کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هربت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب) مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲-۱۸۹.
۱۰. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمودن نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۱. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی ندارد.

اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی،
نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم،
سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. محمدعلی علیدادی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه
المصطفی العالمیه. قم
۴. حفیظ الله محمدی، سطح چهار، دانشگاه خاتم النبیین. کابل
۵. قربانعلی مبلغ. کارشناسی ارشد فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی
العالمیه. قم.

سال سوم، پائیز ۱۴۰۲، شماره ۱۰

ارتباط با امام زمان (عج الله وتعالی فرجه الشریف) در عصر غیبت

سید اسدالله حسینی^۱

چکیده:

مسئله ارتباط با امام زمان (عج) در عصر غیبت، یکی از مهمترین موضوعات در بحث مهدویت است، که در این مقاله با توجه به روایات معصومین. حوزه، خفای عنوان و خفای شخص مورد پی جوی قرار گرفته و دیدگاه دانشمندان امامیه نسبت به هردو نظریه باادله بیان شده. نگارنده در این نوشتار تلاش کرده که به بعد عقلی قضیه اشاره کرده و به چگونگی تشریف و نقد و بررسی روایات که دال بر عدم تشریف دارند بپردازد. در باره ضرورت این تحقیق می توان به این مسئله اشاره نمود که جامعه با این سؤال مواجه است که آیا تشریف در عصر غیبت کبری ممکن است؟ اگر پاسخ منفی باشد پس چگونه حجت خدا سبب فیض خواهد بود؟ اگر ارتباطی بین مردم و حجت خدا وجود نداشته باشد چگونه از وی بهره می برند؟ پاسخ به این پرسشها را می توان بعنوان ضرورت طرح این بحث عنوان مود و می توان گفت که اولاً: تشریف عصر غیبت برای عده ای که اهلیت دارند ممکن است. ثانیاً: بسیاری از علما شیعه پاسخ سؤالات علمی خودشان را خود حضرت دیافت می کرده است. در نهایت نگارنده به این نتیجه دست یافته است که ملاقات امام زمان و در دسترس بودن حضرت نظریه حق و مطابق با روایات معصومین است و برای نظریه انکار مطلق ملاقات امام دلیل قابل قبول وجود ندارد.

کلید واژه‌ها: امام زمان، ارتباط، عصر غیبت.

۱. مقدمه

خداوند انسان را به عنوان خلیفه خودش آفریده و تمامی مواهب را برای وی به وجود آورده، که این مسئله دلیل بر عظمت و شایستگی انسان در بین مخلوقات الهی است. در این بین مسئله اساسی این است که خداوند، کاروان بشریت را در زندگانی مادی و معنوی شان به خودشان رها نکرده است بلکه از جنس خود آن‌ها افرادی را آشنا با دردها و رنج‌های بشر به عنوان راهنما و پیشوایان هدایت‌گر انتخاب نموده است (وَ جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا / انبیاء، ۷۳).

در حقیقت برگزیدگان همان انبیاء و اولیایی الهی هستند که وظیفه‌ای ایشان ارشاد و راهنمایی مردم است. اینک آخرین حجت خداوند در روی زمین آخرین وصی پیامبر خاتم حضرت مهدی موعود «عج» می‌باشد، در این نوشتار نگارنده بدنبال پاسخ به این سؤال است که وقتی حضرت مهدی در غیبت به سر می‌برد چگونه مردم از وی بهره‌مند می‌شوند؟ و آیا در دوران غیبت کبری تشریف در محضر حضرت امکان دارد یا خیر؟ که باتأمل در این مسئله می‌توان به اقوال مختلف دست یافت که بررسی همه اقوال و دست یافتن به قول صحیح در این نوشتار هدف ماست.

سؤال اصلی در اینجا این است که آیا دیدار با امام زمان «علیه السلام» در زمان غیبت کبری ممکن است؟

که در ادامه همین سؤال به سؤالات فرعی ذیل، خواهیم پرداخت.

- ۱- آیا کسی چنین توفیقی داشته است که به محضر حضرت شرفیاب شود؟
- ۲- آیا بر فرض امکان و حصول ملاقات نقل آن برای دیگران جایز است یا نه؟
- ۳- آیا بر فرض امکان و حصول ملاقات، این دیدار باشناخت همراه بوده است؟

۲. بیان مسئله

در آغاز این نوشتار مناسب است بر این نکته اشاره شود که نگاه اصلی ما در تدوین و تحقیق این اثر تنه‌به نظرات و آرای اندیشمندان و علمای شیعه است و اظهار نظر از روی احساسات مذهبی و شخصی در بحث سهمی نخواهد داشت.

مناسب است در بیان مسئله، پیش از همه براین مسئله اشاره نمایم که در میان دانشمندان امامیه نیز به دلیل اختلاف روایاتی که در این حوزه وارد شده، باعث اختلاف نظر شده است که از قدیم تا به حال علما و اندیشمندان شیعه نظرات مختلف و متفاوتی داشته که بطور کلی می‌توان نظرات آنان را در دودسته کلی دیدگاه موافق (امکان ملاقات)

دیدگاه مخالف (عدم امکان ملاقات) قرار دارد مناسب است قبل از ورود به بررسی دو دیدگاه به عنوان پیش زمینه برای روشن شدن موضع به چگونگی غیبت حضرت ولی عصر اشاره شود.

تبیین خفای شخصی یا خفای عنوان؟

باتأمل در روایات می‌توان در رابطه به غیبت امام زمان (عج) در یافت که هر دو نوع خفای شخصی و خفای عنوان به کار رفته است مانند تعابیر چون «لاترون شخصه» (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۱۲۱)

«فیراهم ولایرونه» (صدوق، ۱۴۱۵، ق، ص ۳۰ و کلینی، ۱۴۰۷، ص ۵۶۶).

و «یری الناس ولایرونه» (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۵۷۰) که به معنای دیده نشدن حضرت می‌باشد، و در برخی دیگر از روایات تعابیر همچون «یرونه ولایعرفونه» (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۵۷۰) بکار رفته است که به معنی شناخته نشدن ایشان اشاره دارد.

۳. نگاه به نظریه امکان ملاقات

امکان ملاقات که در حقیقت موضوع اصلی و هدف نگارش این اثر را تشکیل می‌دهد همواره یکی از سؤالات مهم بوده و مراد از «امکان» یعنی قابل محقق شدن، دسترس بودن است (درانتظار خورشید، ص ۱۹۳). وهدف از اثبات امکان ملاقات و وقوع آن بصورت موجه جزئی، در برابر سالبه کلیه. (همان، ص ۱۹۴).

۳-۱. طرفداران نظریه ملاقات

معتقدان به امکان ملاقات بزرگان نظیر: شیخ طوسی، (مازندرانی، ۱۰۸۱، ص ۱۲۸. مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۳۲۳). سید مرتضی علم الهدی (نیلی نجفی، ۱۳۹۳، ص ۲۵)، سید ابن طاووس (ابن طاووس، ۱۴۰۰، ص ۱۸۵)، علامه حلی، علامه بحر العلوم، مقدس

اردبیلی، ابی الصلاح حلبی ابی الفتح کراچکی (کراچکی، ۱۴۱۰، ص ۲۱۸)، ابن میثم بحرانی (بحرانی، ۱۴۰۷ق ص ۱۹۱). سید بهاء الدین نجفی (نجفی، ۱۳۷۸، ص ۷۳)، آخوند خراسانی (خراسانی، ۱۳۷۹ ص ۲۸۹). و... می باشد.

از میان متأخرین و معاصرین نیز از بزرگانی چون: علامه مجلسی (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۳۱۸)، فیض کاشانی (کاشانی، ۲۰۱۵، ص ۷۵)، محدث نوری (نوری، ۱۳۷۸، ص ۴۸۴)، شیخ علی اکبر نهاوندی (نهاوندی، ۱۳۸۸، ص ۳۰۰)، محمد تقی موسوی اصفهانی (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۱، ص ۵۰۵)، آیه الله صافی گلپایگانی (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۸، ص ۵۲۰)، سید محمدباقر صدر (صدر، ۱۴۱۲، ص ۶۴۲)، آیت الله جوادی آملی (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۷-۱۹۸-۱۹۹)، شیخ محمد جواد خراسانی (خراسانی، ۱۳۷۹، ص ۹۳)، و... می توان نام برد طرفداران این نظریه ممکن است در چگونگی قضیه اختلاف نظر داشته باشند، اما در دو جا اتفاق نظر دارند.

الف) در عصر غیبت، اصل را بر خفای عنوان وعدم رؤیت گذاشته اند.

ب) رسیدن بعضی از افراد در محضر ایشان را ممکن دانسته و وقوع ملاقات را فی الجمله پذیرفته اند.

۳-۲. دلایل دیدگاه موافقان

ادله اینان بر دو دسته تقسیم می شود: الف) نظری ب) عینی

دلایل اثبات نظری در دو قسمت قابل طرح است.

دلایل روایی، مجموعه روایاتی که دال بر امکان رؤیت حضرت دارد، چه به صورت دلالت مطابقی و چه به نحو دلالت تضمنی و التزامی، این گروه روایات به چند دسته قابل دسته بندی است.

دسته اول روایاتی که واژه «یرونه» در آن ها بکار رفته، همانند روایات ذیل. ابابصیر از امام صادق «علیه السلام» نقل کرده که حضرت فرمود: در صاحب این امر سنتهای از انبیای پیشین وجود دارد، سنت از موسی، و سنتی از عیسی، سنتی از یوسف، و سنتی از محمد «صلی الله علیه وآله» اما سنت موسی ابن عمران این است که او نیز خائف و منتظر است. سنت عیسی در باره ایشان همان چیزی را می گویند

که در باره حضرت عیسی می‌گفتند، اما سنت که از یوسف دارد این است که خداوند بین او و مردم حجابی قرارداده است که حضرتش را می‌بینند ولی نمی‌شناسند، اما سنتی که از پیامبر خاتم دارد این است که به هدایت او راهنمای می‌شوند، و به سیره او حرکت می‌کنند (قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ «عَلَيْهِ السَّلَامُ» إِنَّ فِي صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ سُنَنًا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ سُنَّةٌ مِنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ وَ سُنَّةٌ مِنْ عِيسَى وَ سُنَّةٌ مِنْ يُوسُفَ وَ سُنَّةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ) (شیخ صدوق، ۱۳۸۰، ص ۳۲۲، حرعاملی، ۱۴۲۵، ص ۹۰).

دسته دوم روایاتی که دلالت دارد بر زندگی عادی حضرت و حضور به صورت ناشناس بین مردم؛ سدید از امام صادق «علیه السلام» نقل می‌کند که حضرتش فرمود «... إِنَّ فِي الْقَائِمِ سُنَّةً مِنْ يُوسُفَ»: به راستی در قائم ما شباهتی است از یوسف، در زنده بودن و پنهان ماندن وی، علی رغم این که یوسف را برادرانش که اسباب و پیامبر زاده بودند، به شخصی فروخت و بعد از آنکه خداوند به وی جایگاه رفیعی عنایت کرد برادرانش وی را نشناخت، آیا خداوند متعال قادر نیست که باحجت خودش این کار را بکند؟ یعنی وی را ناشناس نگهدارد؟ درحالیکه حضرت ولی عصر «ارواح‌نفاذ» در بازار رفت و آمد می‌کند، و پا روی فرشهای آن‌ها می‌گذارد، و این سنت ادامه پیدا خواهد کرد تا وقتی خداوند به ایشان اجازه بدهد که خودش را معرفی کند، همانطوری که به یوسف اجازه داد که حضرت یوسف عرض کرد من یوسف و این هم برادرم است... (کلینی، ۱۴۰۷، ص: ۵۶۳)

دسته سوم ۱- «حجت دوازدهم حضرت صاحب الامر در راهها و جاده حرکت می‌کنند، داخل در بناها و خانه می‌شود، و از مشرق تا مغرب زمین سرکشی می‌کنند، و سخنان مردم را گوش می‌دهد و بر اهل مجلس سلام می‌فرستد، و مردم را می‌شناسد، ولی مردم وی را نمی‌شناسند.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۷۲).

۲- از امام صادق «علیه السلام» نقل شده که فرمودند: برای قائم ما دو تا غیبت است، یکی کوتاه، و دیگری طولانی، در زمان غیبت صغری، مکان وی را کسی نمی‌داند یعنی با وی کسی ارتباط ندارد مگر عده‌ای از خواص شیعه هستند.» (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۳۳۹، بحرانی، بی تا ص ۲۸۲).

۳- مفضل از امام صادق «علیه السلام» نقل کرده که حضرت فرمود: برای صاحب

الامر دوتا غیبت است که یکی چنان طولانی است که بعضی از مردم می گویند حضرت مرده، و بعضی می پندارند که وی کشته شده، و بعضی خیال می کنند که حضرت از دنیا رفته و از محل زندگی وی کسی اطلاع ندارد مگر کسانی که کارهای حضرت را به عهده دارند که از محل زندگی وی باخبرند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۵۳).

از روایات نگارش یافته به خوبی استفاده می شود که حضرت در میان مردم به صورت عادی زندگی می کنند و با مردم نشت و برخواست دارند و از مردم سرکشی می کنند.

دسته چهارم روایاتی که دلالت بر غیبت حضرت از روی ناچاری دارد. چنانچه امام صادق «علیه السلام» در این زمینه می فرماید: ناچار است که صاحب الامر غایب گردد و در غیبت نیز ناچار است که گوشه گیری کند، ... (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۱۵۸).

۳-۲-۱. دلیل دوم نقل تشرفات

تشرف مقدس اردبلی (ره) ایشان به شاگرد خود فرمود است: بعضی از مواقع برخی از مسائل بر من مشتبه می شود، و خدمت امیرالمؤمنین می رسم و پاسخ خود را دریافت می کنم، امشب حضرت امیرالمؤمنین من را به صاحب الامر که در مسجد کوفه بود ارجاع داد. (جزائری، ۱۴۲۹، ص ۳۰۳).

۲- دستگیری از میرزامهدی اصفهانی ایشان نیز پس از بارها توسل به آقا حجت بن الحسن در قبرستان وادی السلام نجف کنار مرقد هود و صالح امام را ملاقات نموده است. (کریمی جهرمی، بی تا، ص ۱۰۲).

شیخ انصاری (ره) به یکی از شاگردان خود فرمود: هنگام که بعضی از مسائل برایم مشتبه می شود، بعضا محضر امام عصر « ارواحنا فداه » مشرف می شوم و پاسخ خود را دریافت می کنم. از میان تعداد بی شمار نقل تشرفات، عده زیادی را می توان یافت که به موضوع ملاقات تصریح کرده اند و در وثاقت آنان جای هیچ سخنی نیست.

مانند: جریان تشرف حاج علی بغدادی (صدر، ۱۴۱۲، ص ۶۴۱). سید احمد رشتی (همان، ص ۹۱۲)، سید بن طاووس (سید اقای، ۱۳۸۲، ص ۱۰۱)، علی بن ابراهیم مهزیار (همان، ص ۷۸)، علامه بحر العلوم (همان، ص ۸۵)، محمد بن عیسی

بحرینی (همان، ص ۸۵)، حسن بن مثله جمکرانی (همان، ص ۶۹). آیت مرعشی نجفی.

۳-۲-۲. نقل اعمال و ادعیه از سوی حضرت

بسیاری از اعمال و اذکار وارده که منسوب به امام عصر «ارواح‌نفاذ» است به عنوان مثال می‌توان مسجد مقدس جمکران را مثال زد که حضرت در جریان تشریف حسن بن مثله جمکرانی در هفدهم رمضان سال (۳۷۳) هجری قمری (برای آگاهی بیشتر از تاریخچه تأسیس مسجد مقدس جمکران و تشریف حسن مثله جمکرانی، به کتاب میر مهر نوشته مسعود پورسید آقایی مراجعه شود) به ایشان فرمان بنای مسجد را می‌دهد و به شیعیان نیز بسیار سفارش می‌کنند به گرامی داشت این مسجد، و اعمال مخصوص به این مسجد همه گواه بر این است که ملاقات بزرگان شیعه با حضرت اتفاق افتاده است و این مطلب مورد اتفاق علما و عموم مردم است.

بنابراین دیدگاه اول هم از جهت نظری دلایل محکم روایی دارد، و هم از جهت تحقق مصداق خارجی، نقل تشرفات و تواتر اجمالی که وجود دارد ثابت شده است، این دیدگاه از جهت اثباتی در تنگنا قرار ندارد، و مهم این است که دلایل منکرین را مورد بررسی قرار داده و به استدلال‌های آن‌ها پاسخ داده شود که در بخش سوم مطرح خواهد شد.

۳-۲-۳. گفتار و تصریح علمای شیعه.

البته نمی‌توان دیدگاه شیعه را بعنوان یک دلیل مستقل برای دیدگاه اول که همان امکان تشریف باشد، بحساب آورد اما بعنوان یک نظریه قابل اعتماد که مؤید قضیه امکان تشریف می‌توان قلمداد کرد.

به جهت رعایت اختصار به نظریات بعضی از علمای شیعه، اشاره می‌شود.

۱- گفتار سید مرتضی (ره).

ایشان می‌فرماید: ماهرگز باورنداریم که حضرت به طور خصوصی برای عده‌ای از دوستان و پیروان خود نیز ظاهر نگردد (مجله حوزه، شماره ۷۰، ۷۱، ص ۱۲۸) وی در کتاب رسائل می‌فرماید: «نحن نجوّز ان یصل الیه کثیر من اولیائه والقائلون بامامته...»

(انصاری، بی تا، ص ۲۹۷). به اعتقاد ما، دسترسی به امام زمان برای عده زیادی از دوستان و معتقدان به حضرت ممکن است.

و نیز ایشان در کتاب تنزیه الانبیاء می نگارد؛ (هیچ مانعی وجود ندارد که امام خودش را به بعضی از دوستان و شیعیان خود ظاهر سازد.) (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۳۲۳).

۲- نظریه شیخ طوسی.

ایشان می فرمایند: «گرچند دشمنان - اسلام - مانع ظهور حضرت شده اند امانتوانسته اند مانع شوند که بعضی از دوستان بصورت اختصاصی خدمت امام شرفیاب شوند...» (شیخ صدوق، ۱۳۸۰، ص ۲۵۳ و ۴۸۴). و نیز می فرمایند: «بر تمام شیعیان آن حضرت واجب نیست که معتقد به خفای حضرت باشد.» (همان، ص ۴۸۵). هم چنین می فرماید: «نحن نجوز أن یصل إلیه کثیر من أولیائه والقائلون بامامته (اصفهانی، ۱۳۸۱، ص ۳۵۵، طبرسی، ۱۴۰۳، ص ۵۹۸). ما جایز می دانیم که بسیاری از شیعیان در عصر غیبت کبری به خدمت ایشان مشرف بشوند.

۳- سید بن طاووس

ایشان خطاب به فرزندش می گوید: (در عصر غیبت کبری وقتی که حضرت بر شیعیان خود ظاهر نیست مانعی نیست از اینکه بعضی از شیعیان حضرت را ملاقات کرده و از گفتار و کردارش بهره مند شوند.) (ابن طاووس، ۱۴۰۰، ص ۱۸۵).

۴. آخوند خراسانی

ایشان در بحث اجماع می فرمایند: (احتمال دارد که بعضی از فرزندان در عصر غیبت به محضر امام زمان «عج الله تعالی فرجه الشریف» برسند و به معرفت و شناخت ایشان نیز نایل شوند.) (خراسانی، بی تا، بحث اجماع).

۵ - ابوالفتح کراچکی

ایشان گوید: (ممکن است افرادی حضور حضرت را درک کنند و از دیگران مخفی نگهدارند) (کراچکی، ۱۴۱۰، ص ۲۱۸)

۶- محمد تقی اصفهانی.

ایشان با امکان تشرف در محضر امام را ممکن دانسته و می فرمایند: روایات و حکایات در مورد مؤمنان رستگار به دیدار آن بزرگوار، سبب باور اهل یقین می باشد.

(اصفهانی، ۱۳۸۱، ص ۵۰۵).

۷- آیت الله صافی گلپایگانی.

ایشان یکی از محققان حوزه مهدویت و معتقد به ملاقات است و وجود همین تشرفات را دلیل محکم و قوی. مبنی بر اثبات وجود حضرت می دانند. (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۷، ص ۳۶۶).

۳-۳. معتقدان عدم امکان ملاقات

در ادامه بحث به بررسی دیدگاه مخالفین رؤیت امام در عصر غیبت کبری، می پردازیم و در بین مخالفین بزرگان چون شیخ مفید، نعمانی، فیض کاشانی، کاشف الغطا، قراردارند و نیز اخیراً آقای دوزدوزانی با نگارش رساله ای و آقای ذاکری در مقاله ای مسئله رؤیت را انکار نموده است. و در این بین تذکر این مسئله مهم است که این مخالفین نیز هم آهنگ نیست بلکه برخی آن ها ۱- ادعای رؤیت ۲- برخی رؤیت باشناخت ۳- برخی مطلق رؤیت را منکر شده اند.

۳-۳-۱. انگیزه های انکار ملاقات

مهم ترین انگیزه انکار را بطور کلی می توان به دو دسته تقسیم کرد.
۱- انگیزه تعبد.

این گروه بر اساس توفیق صادره از ناحیه حضرت ولی عصر (عج) مبنی بر تکذیب ادعای مشاهده، قائل اند که هرکسی که مدعی مشاهده باشد، ولو اینکه این فرد عالم، باتقوا، واهل ورع باشد باید تکذیب شود. (مجله حوزه ص ۷۵).

۲- انگیزه اصلاح طلبی.

شاید مهم ترین انگیزه برای انکار ملاقات مبارزه با خرافات و وارد نشدن بدعت ها در اعتقادات باشد، که صاحب تحقیق لطیف می گوید؛ بحث امکان تشریف در محضر امام زمان «علیه السلام» و گسترش آن در میان مردم موجب وهن به مقام قدسی حضرت می شود (دوزدوزانی، بی تا، ص ۷۶).

۳-۳-۲. دلایل دیدگاه مخالف

الف) روایاتی که دلالت بر نهی از جستجوی امام می‌کند، مانند توقیع شریفی که از حضرت در همین زمینه صادر گردیده است؛ که می‌فرماید: (آن که بکاو، بجوید و آن که بجوید دلالت دهد و آن که دلالت دهد به هدف رسد و هر که [در مورد من] چنین کند، شَرک ورزیده است.) («مَنْ بَحَثَ فَقَدْ طَلَبَ وَ مَنْ طَلَبَ فَقَدْ ذَلَّ وَ مَنْ ذَلَّ فَقَدْ أَشَاطَ وَ مَنْ أَشَاطَ فَقَدْ أَشْرَكَ» صدوق، ۱۳۸۰، ص ۵۰۹..) و یا این روایت (اگر آن‌ها را به نام دلالت کنی آن را فاش می‌سازند و اگر به مکان دلالت کنی بدان رهنمائی کنند) («إِنْ ذَلَّلْتَهُمْ عَلَى الْإِسْمِ أَذَاعُوهُ وَإِنْ عَرَفُوا الْمَكَانَ ذَلُّوا عَلَيْهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۳۳۳)).

ب) روایاتی که بر ناشناس بودن حضرت دلالت دارد، که خود بر دو دسته قابل دسته‌بندی است؛ دسته اول روایاتی که بر ناشناس بودن حضرت دلالت دارد بطور عام بدین معنا که حضرت در میان مردم گشت و گزار دارد ولی مردم ایشان را نمی‌شناسند، همانند روایت از وجود مقدس صادق آل محمد «علیه السلام» که فرمود: (وَلَا يَعْرِفُونَهُ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَهُ أَنْ يُعَرِّفَهُمْ نَفْسَهُ) و دسته دوم روایاتی که دلالت بر ناشناس بودن حضرت در مراسم حج دارد مانند این روایت. (يَقْبِدُ النَّاسُ إِمَامَهُمْ، يَشْهَدُ الْمُؤَسِّمَ، فَيَرَاهُمْ وَ لَا يَرُونَهُ). (کلینی، ۱۴۰۳، ص ۱۵۰). ذکر شده است که دلالت بر اصل موضوع مشاهده و روایت می‌کند.

ج) دسته سوم روایاتی که بر نهی از بردن اسم حضرت دلالت دارد، همانند، روایت که از امام هادی «علیه السلام» نقل شده است؛ (انکم لاترونه شخصه ولا يحل لكم ذكره باسمه) (کلینی، ۱۴۰۳، ص ۵۷۰). و یا روایتی که از امام رضا «علیه السلام» نقل شده است بدین صورت (لایری جسمه ولا یسمی اسمه است). (همان، ص ۵۴۸).

د) دسته چهارم روایاتی که غیبت حضرت را سبب ابتلاء و آزمایش مردم بیان می‌کند، ابابصیر از امام صادق «علیه السلام» در باره یاران حضرت مهدی «عج الله و تعالی فرجه الشریف» که عرب باشند سؤال می‌کنند حضرت در پاسخ می‌فرماید: (مع القائم من العرب لشيئ بسير) و دوباره سؤال می‌شود (ان من یصف هذا الامر منهم لکثیر)؛ یعنی آنچه که ما شنیدیم تعداد عربها در میان سپاه حضرت بسیارند؟ حضرت می‌فرماید (لا بد للناس من ان یمحصوا و یمیزوا و یغربلوا و سیخرج من الغربال خلق کثیر). (همان،

ص ۵۴۸). حضرت فرمودند؛ امتحان در دوران غیبت چنان مردم را تکان می‌دهد که بسیار از عربها در این غربال از دور خارج می‌شوند.
مهم‌ترین دلیل گروه دوم، توقیع شریف که از ناحیه حضرت نقل شده است می‌باشد.

۳-۳-۳. محورهای بحث توقیع

متن توقیع شریف

این توقیع را علمای بسیار در کتب ایشان نقل کرده‌اند و آن‌ها عبارت‌اند از: شیخ طوسی در الغیبة شیخ صدوق در کمال الدین (صدوق، ۱۳۸۰، ۵۱۶)، شیخ طبرسی در اعلام الوری (طبرسی ۱۴۱۷، ص ۴۱۷) سید ابن طاووس در ربیع الشیعه (سید بن طاووس، بی‌تا، ص ۱۸۹)، طبرسی در احتجاج (طبرسی، ۱۴۰۳، ص ۴۷۸).
بر اساس نقل مرحوم شیخ صدوق (ره) در کتاب کمال الدین و تمام النعمة که نخستین نسخه نقل توقیع می‌باشد (لارم به ذکر است که شیخ صدوق (ره) اولین راوی این توقیع است و دیگران همه از این موضوع را از او نقل کرده‌اند). متن کامل توقیع شریف، چنین است.

(بسم الله الرحمن الرحيم - يَا عَلِيُّ بْنَ مُحَمَّدٍ السَّمَرِيِّ أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ فِيكَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ سَيِّئَةِ أَيَّامٍ فَاجْمَعْ أَمْرَكَ وَلَا تُوصِ إِلَى أَحَدٍ يَقُومُ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ الثَّانِيَةُ فَلَا تُظْهِرُ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ...)(شیخ صدوق، ۱۳۸۰، ص: ۵۱۶) ای علی بن محمد سمري خدا اجر برادرانت را در باره تو بزرگ گرداند، تو در فاصله شش روز دیگر خواهی مرد کارهای خود را جمع آوری کن و به احدی وصیت مکن که به جایت بنشیند بعد از مرگت به تحقیق، غیبت کامل واقع خواهد شد و ظهوری نیست مگر پس از اجازه خدای «عزوجل» و این پس از مدت دراز و سختی و تیرگی دلها است و به زودی زمین پر از جور گردد کسانی نزد شیعیان می‌آیند که که مدعی مشاهده امام هستند» هلا «هر که پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی دعوی مشاهده کند دروغ زن و افتراء گو است. (شیخ صدوق، ۱۳۸۰؛ ص ۱۹۳).

سند توقیع

این توقیع، طبق تصریح شیخ صدوق در کمال الدین، بدون واسطه از ابو محمد حسن بن احمد مکتب اینگونه نقل شده است: من در سالی که نایب چهارم از دنیا درگذشت، در بغداد بودم و چند روز قبل از وفاتش به حضور وی رسیدم، وی توقیعی برای مردم خارج کرد که نسخه آن چنین است... پس من آن توقیع را نسخه برداری نمودم و از نزد او بیرون آمدم. (شیخ صدوق، ۱۳۸۰، ص ۵۱۶).

از منظر دیدگاه دوم یعنی «مخالفتان ملاقات» سند حدیث کامل بوده و تواتر مضمونی نیز دارد، اما سند این روایت از نظر دیدگاه اول مورد خدشه واقع شده است.

۳-۳-۴. ایرادات سندی توقیع

شاید مرحوم محدث نوری در کتاب «النجم الثاقب» برای اولین بار سند این روایت را به دلیل مرسل بودن آن فاقد ارزش ارزیابی کردند (نوری، ۱۳۷۸، ص ۴۸۴). به دنبال محدث نوری دیگران نیز بر سند این توقیع اراد وارد کرده است. از جمله مرحوم نهاوندی که هم عقیده با محدث نوری است می فرماید: (معرض عنه اصحاب (دوز دوزانی، ۱۳۷۱، ص ۲۲۸). آیت الله صافی گلپایگانی نیز در کتاب منتخب الاثر می فرماید: توقیع، خبر واحدی است که از نظر سند، مرسل و ضعیف می باشد و شیخ طوسی که آن را در کتاب الغیبه نقل نموده است، خودش به آن عمل ننموده و از مفاد آن اعراض نموده است (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۷، ص ۳۶۶).

ارزیابی ایرادات سندی

آنچه که در بررسی سند توقیع از مرحوم شیخ صدوق در کتاب «کمال الدین و اتمام النعمه» نقل شده است به هیچ عنوان نمی توان به سند توقیع اشکال وارد کرد، زیرا این توقیع با سه واسطه از وجود مقدس ولیعصر «عج الله و تعالی فرجه الشریف» نقل شده است که عبارتند از:

شیخ صدوق.

ابو محمد حسن بن احمد المکتب.

علی بن محمد سمري.

این روایت با سه واسطه به امام می‌رسد.

اول: شیخ اجل، ابوالحسن علی بن محمد سمري، و او از جهت جلالت قدر و شهرتش نیاز به توصیف ندارد.

دوم: شیخ صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن موسی بابویه قمی که او نیز به خاطر شهرتش و معروفیت کتابش، نیازی به توضیح ندارد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵، ص ۲۳۱).

سوم: ابو محمد حسن بن احمد مکتب که اسم کاملش (ابو محمد حسن بن الحسین بن ابراهیم بن احمد بن هشام المکتب) است و صدوق مکرر از او روایت کرده و طلب رحمت خداوند براو نموده و این از نشانه‌های صحت و وثاقت است. (اصفهانی، ۱۳۸۱، ص ۴۹۲). هم چنین از دلایل صحت آن اینکه، علمای ما از زمان صدوق تا زمان ما به آن استناد کرده و بر آن اعتماد نموده‌اند و هیچ یک از آنان در اعتبار آن مناقشه و تأملی نکرده‌اند. (صدر، ۱۴۱۲، ص ۶۴۱). وی هم چنین یادآوری می‌کند که در بعضی از نسخه‌ها مانند الغیبة طوسی، در مورد ضبط نام «حسن بن احمد»، از ناحیه نسخه نویسان، تصحیف رخ داده است (اصفهانی، ۱۳۸۱، ص ۴۹۲). از این رو در سند توقیع اشکالی وجود ندارد.

۳-۳-۵. دلالت توقیع

همانگونه که قبلاً نیز ذکر شد، بارزترین دلیل برای اثبات مدعی گروه دوم که همان عدم امکان ملاقات باشد همین توقیع شریف.

ایت الله دوزدو زانی در مورد دلالت بخشهای توقیع می‌گوید: جمله (ولاتوص الی احد) برای سد باب وصایت و نیابت صادر شده است که این امر، مورد اتفاق همه می‌باشد. در مورد جمله (فلا ظهور الا بعد اذن الله...) معتقد است این بخش توقیع، برای سد باب رؤیت و مشاهده می‌باشد. بر این اساس، از نظر وی فرق میان غیبت صغری و کبری در این است که در غیبت صغری امکان رؤیت و ملاقات برای بعضی افراد خاص وجود داشته است اما در غیبت کبری چنین استثنایی وجود ندارد و احدی امکان دیدار با حضرت را ندارد. (اصفهانی، ۱۳۸۱، ص ۴۹۴).

۲- نویسنده مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم نیز دلالت توقیع بر نفی دیدار با حضرت حجت را صریح و تام می‌داند (اصفهان، ۱۳۸۱، ص ۴۹۲). وی مدعی است که ترکیب (لا)ی نفی جنس واستثناء در جمله (فلا ظهور الابد...) به معنای نفی مطلق ظهور است، به عقیده وی، (ظهور) به معنای بروز بعد از خفا و با واژه (مشاهده) به یک معنا است و نفی مطلق ظهور در اینجا، نفی مطلق مشاهده نیز هست. به همین خاطر ایشان، قسمتهای بعدی توقیع را (سَيَأْتِي شِيعَتِي مَنْ يَدَّعِي الشَّاهِدَةَ) (شیخ صدوق، ۱۴۱۵ص: ۴۸۲) را حمل بر تأکید جمله (فلا ظهور) می‌کند.

اما نویسنده تحقیق لطیف، معتقد است که نفی ادعای مشاهده، چه به خود ناقل نسبت داده شود و چه از کسی دیگر نقل شود، مشمول تکذیب توقیع می‌باشد. (کتاب چشم به راه مهدی، ص ۷۷).

۳-۳-۶. بازکاوی دلالت توقیع شریف

در این توقیع برخی از ابهاماتی وجود دارد که باید برای روشن شدن بحث و برای گرفتن نتیجه مطلوب باید از زوایایی مختلف مورد بررسی قرار بگیرد.

- ۱) باید موقعیت صدور توقیع.
- ۲) واژه‌ها و کلمات به کار رفته در آن.
- ۳) فرازها و ارتباط میان آن‌ها را مورد بازبینی قرار دهیم.

۳-۳-۷. موقعیت‌شناسی توقیع

در موقعیت‌شناسی نگاه ما به شرایط حاکم بر وضعیت ارتباطی میان شیعیان و امام «عجل الله و تعالی فرجه الشریف» از زمان عسکریین به بعد، به ویژه در دوران غیبت صغری و محدود شدن ارتباطات از طریق سلسله مراتب وکلا و سفرا، بویژه در دهه پایانی عصر غیبت صغری و زمان صدور توقیع، فضای فکری شیعیان به گونه‌ای شکل گرفته بود که برداشت عموم از مسأله (ارتباط و مشاهده حضرت) چیزی جز معنای معهود آن یعنی ارتباط خاص و داشتن مقام سفارت و نیابت از جانب حضرت نبوده است.

در چنین فضایی، با فرا رسیدن دوران غیبت کبری، حضرت با صدور چنین

توقیعی، ضمن اعلام پایان غیبت صغری و آغاز غیبت کبری، در صدد برآمده تا جلوی سوء استفاده از ذهنیت های عمومی و آسیب های احتمالی مدعیان مشاهده نیابت را بگیرد تا کسی نتواند از راه ادعای مشاهده، خود را به عنوان وکیل یا سفیر بر مردم عرضه کند.

با توجه به این مطلب، صدور توقیع از ناحیه حضرت در مورد تکذیب مدعی مشاهده، مشروط به دیدار و مشاهده ای است که پیام خاصی را به همراه داشته باشد و هرگز مطلق رؤیت و دیدار اشاره ندارد. پیام توقیع، بسته شدن مطلق باب ارتباط با حضرت نمی باشد بلکه جلوگیری از سوء نیت افراد فرصت طلب با ادعای نیابت حضرت است. از نمونه های بارز این رویکرد خطرناک ادعای باییت به مهدویت و از آن به ادعای نبوت رسیده اند و حتی ادعای الوهیت و خدایی می کنند و امروزه با ادعای نجات کل بشر، همگان را به سوی خود فرا می خوانند. (مجله حوزه، شماره ۷۰، ۷۱، ص ۷۷ و ۷۸).

۳-۳-۸. متن شناسی توقیع

بدون شک، شرط نخست قضاوت در این مورد، بررسی صحیح مفاد متن توقیع است که این امر، ضرورت مفهومیابی واژه ها و کلمات مطرح در توقیع و بررسی ارتباط و فرازهای آن را ایجاب می نماید.

الف) واژه ها مهم در توقیع

- ۱- واژه (غیبت) در لغت به معنای پوشیده بودن از انظار است. (ابن فارس، ۱۳۹۹، ص ۷۸، ۱۲۱). (الغیب) کلماتی است که در لغت من کلامه.
- ۲- واژه (ظهور) برعکس غیبت، دلالت بر آشکار بودن چیزی دلالت دارد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵، ص ۴ و ۵).
- ۳- واژه (ادعی) افاده نوعی مخاصمه، دعوت و احتجاج را می نماید. واژه (مشاهده) از ماده (شده) دلالت بر دیدن و حضور می کند (شاهد: يدل علی حضور و علم) مشاهده: دیدن، ادراک با چشم، نگاه و نظر آمده. (ابن فارس، ۱۳۹۹، کلمه «غیب»).
- ۵- واژه (کاذب) اسم فاعل و به معنای دروغگوست. (همان؛ کلمه الدعاء).

۶- واژه (مفتر) و مفتری به معنای دروغ گوینده بر کسی، و دروغ یافتن و دروغ بستن بر کسی، و دروغ بافنده و بهتان زننده بر کسی است (ابن فارس، ۱۳۹۹، کلمه «شهد»). کلمه افترا به معنای دروغ بافتن و دروغ بستن بر کسی است. (دهخدا، ۱۳۷۷، کلمه «شاهد و مشاهد»).

(ب) فرازهای توقیع

توقیع شریف، مجموعاً دارای چهار فراز می‌باشد:

فراز نخست: توقیع مربوط به رحلت سفیر حضرت است که به عنوان یک خبر غیبی از سوی ایشان به وی اعلام شده است و به عنوان معجزه حضرت حجت (حرعاملی، ۱۴۲۵، ۶۹۳).

فراز دوم: منع وصایت و جانشینی نیز امری اتفاقی و خارج از محل بحث است این دو فراز مورد اتفاق و خارج از بحث است.

فراز سوم: جمله (فلا ظهور الا...) نفی رؤیت مطلق می‌کند.

فراز چهارم: نیز فرعی بر این عدم رؤیت کلی است که به عنوان نتیجه جمله قبل، ادعای مشاهده و رؤیت را تا زمان قیام حضرت بعد از خروج سفیانی و صیحه آسمانی، نفی و تکذیب می‌کند.

نقد و بررسی فراز سوم

واقعیت این است که مهم‌ترین لغزش در استدلال منکرین، این است که نفی ظهور در جمله «فلا ظهور» را مساوی با نفی رؤیت گرفته‌اند و چون ظهور با (لای) نفی جنس همراه است، از نفی مطلق مشاهده و رؤیت را برداشت نموده‌اند.

و نیز جمله (فمن ادعی المشاهده...) را حمل بر تأکید جمله قبل نموده و فتوای تکذیب هرگونه ارتباط و ملاقات را صادر نموده‌اند. در حالی که نه جمله (فلا ظهور...) مربوط به مسئله ملاقات و تشریف است و نه جمله (فمن ادعی المشاهده...) تأکید بر جمله قبل است بنابر این، فراز سوم توقیع از این جهت ساکت است و نفی و اثبات در این فراز، به موضوع قیام حضرت بستگی دارد که بیگانه از موضوع امکان و یا عدم امکان ملاقات و تشرفات است.

بررسی فراز چهارم توقیع

تفسیر فراز چهارم (سیأتی شیعی من یدعی المشاهده الافمن ادعی المشاهده...) به تأکید فراز سوم در استدلال طرفداران انکار، بسیار عجیب و دور از واقع نگری است. زیرا این دویخس، هرکدام مطلب جداگانه_ای را بیان می‌کند جمله (فلا ظهور...) با توجه به قرائن ذیل آن، موضوع ظهور و قیام حضرت را بیان کرده و آن را منوط به صدور اذن الهی بعد از گذشت زمان طولانی نموده است. اما فراز اخیر، در مقام تکذیب داعیه داران ارتباط ویژه با حضرت «عجل الله وتعالی فرجه الشریف» در عصر قبل از ظهور و غیبت کبری است و این دو موضوع، کاملاً از یکدیگر جدا هستند.

۴. نتیجه

باتوجه به آرای علما و دانشمندان قدیم و جدید مانند سید مرتضی، شیخ طوسی، سید بن طاووس، محقق نائی و... پشتوانه قوی بر درستی دیدگاه اول و تثبیت آن به شمار می‌رود و امکان ملاقات امام مسلم است.

بنابراین، تأمل در کلمات به کار رفته در این توقیع شریف ما را به این نتیجه می‌رساند که کلام حضرت، متوجه گروه خاصی است. و قصد دارد با توجه به زمینه‌های بروز و ظهور افرادی در آینده و زمان غیبت کبری، جلوی مدعیان دروغین را از پیش بگیرد. اگر حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه الشریف» باصدور این توقیع و اقدام حکیمانه، جلوی این جریان خطرناک و انحرافی را نمی‌گرفت و با این لحن شدید، اذهان شیعیان را نسبت به خطر پیدایش چنین عناصر خودخواه و متظاهر متوجه نمی‌ساخت، خدا می‌داند که تا به حال، جامعه شیعه با چه مصیبت‌های گمراه‌کننده مواجه شده بود و تاریخ شیعه شاهد بروز چه تعداد از مدعیان دروغین وساطت و داعیه داران معجزات، گردیده بود.

۵. فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن بابویه، علی بن الحسین بابویه القمی، الإمامة و التبصرة من الحيرة، موسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، ۱۳۶۶، بیروت.

٢. ابن بابويه، محمد بن علي، كمال الدين وتمام النعمه، دارالحديث، ١٣٨٠، قم.
٣. ابن بابويه، محمد بن علي معروف به شيخ صدوق، المقنع، مؤسسة امام مهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ١٤١٥هـ، قم، قم.
٤. ابن بابويه، محمد بن علي، من لا يحضره الفقيه، انتشارات اسلامي وابسته جامعه مدرسين حوزه علميه، ١٤١٣ق، قم.
٥. ابن طاووس، علي بن موسى، الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف، خيام (١٤٠٠ق)، قم.
٦. ابن فارس، أحمد، معجم المقاييس اللغة، دارالفكر، ١٣٩٩هـ، قم.
٧. ابو الصلاح الحلبي، تقريب_المعارف، الهادي، ١٤١٧، قم.
٨. اربلي، علي بن عيسى، كشف الغمة في معرفة الأئمة، بنى هاشمي، ١٣٨١ق، تبريز.
٩. اصفهاني، محمد تقى، ميكال_المكارم فى فوائد الدعا للقائم، الغدير، ١٣٨١، قم.
١٠. انصارى، مرتضى، زندگانی و شخصیت شيخ انصارى، فارس الحجاز ١٣٦٩، بى جا.
١١. آخوند الخراسانى، محمد كاظم، كفاية الاصول، مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، ١٤٠٩ق، قم.
١٢. البحرانى، السيد هاشم، حلية الابرار فى احوال محمد وآله الطهار، مؤسسة المعارف الإسلامية، بى تا، قم.
١٣. بحراني، ميثم، قواعد المرام فى العلم الكلام، كتابخانه نجفى مرعى، ١٤٠٧ق، قم.
١٤. بحراني، سيد هاشم، حلية الأبرار فى أحوال محمد وآله الأطهار «عليهم السلام»، مؤسسة المعارف الإسلامية، بى تا، قم.
١٥. بهاء الدين نيلى نجفى، على بن عبد الكريم، السلطان المفرج عن اهل الايمان، دليل ما، ١٣٩٣، قم.

۱۶. بهاء الدین نیلی نجفی، علی بن عبدالکریم، منتخب الأنوار المضيئة في ذكر القائم الحجّة (عليه السلام)، مؤسسه الامام الهادي، ۱۳۷۸، قم.
۱۷. پورسید آقایی مسعود، میر مهر (جلوه های محبت امام زمان (عج) الله تعالى فرجه الشريف)، حضور، ۱۳۸۲، قم.
۱۸. جرجانی، علی بن محمد، التعريفات، ناصر خسرو، ۱۳۷۰، تهران.
۱۹. جزایری، نعمت الله، انوار نعمانيته، بیروت، دارالقاری، ۱۴۲۹، بیروت.
۲۰. جزائری، نعمت الله، رياض الأبرار في مناقب الأئمة الأطهار، مؤسسه التاريخ العربی، ۱۴۲۷ق، بیروت.
۲۱. جمعی از نویسندگان، کتاب چشم به راه مهدی، یاهمان مجله حوزه، سال دوازدهم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه شماره ۷۰ و ۷۱، قم.
۲۲. جمعی از نویسندگان، در انتظار خورشید، مجموعه مقالات همایش در انتظار خورشید، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۵، قم.
۲۳. جوادی آملی، عبدالله، امام مهدی موجود موعود، مرکز نشراسراء، ۱۳۸۷، قم.
۲۴. حر عاملی، محمد حسن، وسایل الشعه، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، بی تا، قم.
۲۵. حر عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۵ ق بیروت.
۲۶. حسن بن علی (علیه السلام)، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري «علیه السلام»، مدرسه الإمام المهدي «عجل الله تعالى فرجه الشريف»، ۱۴۰۹ ق، قم.
۲۷. الحلبي ابو الصلاح، تقریب المعارف، الهادی، ۱۴۰۴ ق، قم.
۲۸. خراسانی، محمد جواد، مهدی منتظر، بنیاد پژوهش های علمی، فرهنگ نور الاصفیاء، ۱۳۷۹، قم.
۲۹. الخراسانی، کاظم، فوائد الأصول، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ۱۴۰۶، قم.

٣٠. دوزدوزانی، يد الله، تحقيق لطيف حول توقيع الشريف، موسسه سيد الشهداء(ع)، ١٣٧١، قم.
٣١. دهخدا، على اكبر، لغت نامه دهخدا، روزنه، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ١٣٧٧، تهران.
٣٢. راغب اصفهانی، حسين، المفردات في غريب القرآن، دارالقلم الدرالشاميه، ١٤١٢ هـ بيروت.
٣٣. سيد محمد باقر، صدر، تاريخ الغيبة الصغرى، دالمعارف للمطبوعات، ١٤١٢ هـ، بيروت.
٣٤. سيد مرتضى، مجتهدى، صحيفه مهديه، دارالثقلين، ١٣٧٩، قم.
٣٥. شيخ مرتضى، انصارى، رسائل، دارالقران الكريم، بى تا، قم.
٣٦. صافى گلپايگانى، لطف الله، منتخب الاثر فى الامام الثانى عشر، مؤسسة السيدة المعصومة، ١٣٧٧، قم.
٣٧. صدر، سيد محمد، تاريخ الغيبة الصغرى، دارالتعارف للمطبوعات، ١٤١٢، بيروت.
٣٨. طبرسى، احمد بن على، الإحتجاج على أهل اللجاج، نشر مرتضى، ١٤٠٣ ق، مشهد.
٣٩. طبرسى، فضل بن حسن، إعلام الورى بأعلام الهدى، آل البيت، ١٤١٧ ق، قم.
٤٠. طبرى، آملی، دلائل الإمامة، بعثت، ١٤١٣ ق، قم.
٤١. طوسى، محمد بن الحسن، الغيبة، دارالمعارف الاسلاميه، ١٤١١ ق، قم.
٤٢. عاملی نباطی، على، الصراط المستقيم إلى مستحقي التقديم، المكتبة الحيدرية، ١٣٨٤ ق، نجف.
٤٣. علم الهدى، على بن حسين، تنزيه الأنبياء عليهم السلام، دار الشريف الرضى، ١٤٠٩، بيروت.
٤٤. على اكبر، نهاوندى، العبقري الحسان فى احوال صاحب الزمان، مسجد مقدس جمكران، ١٣٨٨، قم.

٤٥. فيض كاشاني، محمد محسن، نوادر الأخبار فيما يتعلق بأصول الدين، مؤسسه مطالعات و تحقيقات فرهنگي، ٢٠١٥، قم.
٤٦. فيض كاشاني، محمد محسن، الوافي، كتابخانه امام أمير المؤمنين علي (عليه السلام)، ١٤٠٦ ق، اصفهان.
٤٧. قمي، شيخ عباس، مفاتيح الجنان، فيض كاشاني، ١٣٧٧، قم.
٤٨. قهپائي، شرف الدين علي بن محمود، مجمع الرجال، مؤسسه فرهنگي و اطلاع رساني تبيان، ١٣٨٧، قم.
٤٩. كريمي جهرمي، علي، كتاب عنايات حضرت مهدي، بي جا، بي تا.
٥٠. كراچكي، محمد بن علي، كنز الفوائد، دارالذخائر، ١٤١٠، قم.
٥١. كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، دار الكتب الإسلامية، ١٤٠٧ ق، قم.
٥٢. لطف الله، صافى گلپايگاني، امامت ومهدويت، مركز نشر آثار آيت الله العظمى صافى گلپايگاني، ١٣٩١ هـ. ش، قم.
٥٣. مازندراني، محمد صالح، شرح الكافي، المكتبة الإسلامية، ١٠٨١، قم.
٥٤. مجلسي، محمد باقر، بحار الانوار، دار إحياء التراث العربي، ١٤٠٣، بيروت.
٥٥. مجلسي محمد باقر، مرآة العقول، دارالكتب الاسلاميه، ١٤٠٤ هـ. ق، بيروت.
٥٦. مجله حوزة، سال دوازدهم، شماره ٧٠ و ٧١، دفتر تبليغات اسلامي، حوزة علميه.
٥٧. نعماني، محمد بن ابراهيم، الغيبة، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٨٧، تهران.
٥٨. النوري، ميرزا حسين، النجم الثاقب، مسجد مقدس جمكران، ١٣٧٨، قم.
٥٩. نوري، ميرزا حسين، جنة الماوي، مؤسسة السيدة المعصومة (عليها السلام)، ١٤٢٧، قم.
٦٠. نيلي نجفي، بهاء الدين، منتخب الأنوار المضيئة في ذكر القائم الحجة (عليه السلام)، مطبعة الخيام، ١٣٦٠ ش، قم.
٦١. يزدي حايري، علي، إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، ١٤٢٢ ق، بيروت.

Nasim Kowsar

Scientific Quarterly



- Analyzing retribution as a repressive criminal policy of Islam, in reducing crime
- Analyzing the executive policy of Islam in the crime of theft
- The capacity of jurisprudence in the birth of soft power
- Non-cancellation of lease in case of death of one of the lessees
- Comparison of the embodiment of deeds in the thought of Molavi and Mulla Sadra
- Duties of a man towards his wife in the Qur'an and hadiths
- Communication with Imam Zaman (AS) in the age of occultation